

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا ۵۳۲

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنش باز گرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۷ مرداد ۱۳۸۹، ۱۸ اوت ۲۰۱۰

سر دبیر: عبدال گلپریان

متن کتبی نامه زهرا حقیقت پژوه همراه با مقدمه ای از مینا احدی



مینا احدی

زنان، برای يك سخنرانی در يك شهر آلمان در هتل محل اقامت، لایو و همزمان، دو دختری را همراهی میکردم که در مقابل زندان مخوف اوین ایستاده بودند و هنوز هم کورسوی امید داشتند که مادرشان اعدام نشود و آنطرف دیوار جلادان

صفحه ۳

یکسال و نیم پیش بود که زهرا تلفن کرد و و گریه کنان گفت: مینا میخواهند مادرم را پس فردا اعدام کنند. از او خواستم آرام باشد و توضیح دهد چه خبر است و او گفت به ما زنگ زده اند که شناسنامه هایمان را ببریم و آخرین بار مادرم را ملاقات کنیم... چند سال بود که برای نجات فاطمه فعالیت میکردیم و چندین سال بود که با زهرا و خواهرش در ارتباط بودم. روزهای آخر تلاش برای نجات فاطمه با پخش چندین برنامه تلویزیونی از "کانال جدید" همراه بود که توجه میلیونها نفر را به خود جلب کرده بود.

نیمه شب روز ۲۵ نوامبر، روز جهانی اعتراض به خشونت علیه

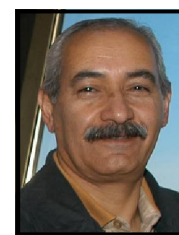
گفتگو می نشینید. از فشارهای ناشی از زندگی سخت و طاقت فرسای تحمیل شده رژیم طبقه حاکم به مردم گرفته تا نا امن کردن زندگی و آسایش جوانان دختر و پسر توسط سرکوبگران حکومت، از گرانی مایحتاج زندگی گرفته تا وجود گسترده اعتیاد، فقر، بیکاری، کودکان خیابانی و دست فروش، تن فروشی، قتل های ناموسی، دست درازی مزدوران رژیم به حریم خصوصی زندگی مردم و غیره.

علاوه بر اینها حکومتی که ۳۱ سال است این فلاکت را به مردم تحمیل کرده است و دارد با انواع خرافه ها، تبلیغ و ایجاد

صفحه ۲

سازماندهی در محلات

این شکل هم جمع شوند معلوم نیست برای چه هدفی جمع شده اند و می خواهند چکار کنند؟ جمع شدن هر بخشی از فعالین و مردم چه در محلات یا در محیط کار یا هر جای دیگری که زندگی آنان بطور عینی جریان دارد، ضرورت عینی و واقعی زندگی اجتماعی آنان است که این بستر و مکانیزمهای مختلف از جمله تشکل و سازمان را ضروری می سازد تا بر مبنای آن جمعیهایی شکل بگیرد. این بستر چیزی نیست بجز آنچه که افراد محل و کلا مردم بطور روزمره با آن درگیر هستند، کار و زندگی و هویت اجتماعی شان را تحت تاثیر قرار می دهد و در مورد آن به بحث و



عبدال گلپریان

موضوعی که در این نوشته به آن خواهم پرداخت در ادامه بحثهای مربوط به تشکل و سازماندهی است. در این بخش بطور کنکرت به مسئله سازماندهی و ایجاد تشکل و هسته ها و جمعها در محلات اشاره می کنم. بدون مقدمه به خود موضوع بپردازیم. فعالین، افراد و ساکنین يك محله یا محلات بطور اتوماتيك و بدور هم جمع نمیشوند. حتی اگر به

آنها دست کمک بسوی شما دراز کرده اند تا به یاریشان بشتابید



محمد امین کمانگر

دانشجویان، معلمان، پرستاران، و مردم بجان آمده از دست این حکومت است. جنایاتی که توسط

صفحه ۴

بحران رژیم اسلامی و بن بستى که در آن قرار گرفته، عمیق تر از آن است که بتواند بر آن غلبه کند. پادگانی گردن خیابانها و کارخانه ها و مراکزی که مردم در آن به عناوین مختلف متمرکز هستند و تداوم اعدام، سنگسار و دستگیریهایی پی در پی مخالفین، نشان از موقعیت مستاصل رژیم اسلامی دارد. این جنایات برای مقابله با گسترش هر روزه اعتصابات و اعتراضات کارگری، برای مقابله با موج فزاینده و سیل بنیان کن اعتراضات جوانان،

رژیم اسلامی ایران در مدت ۳۱ سال جنگ و گریز با مردم، نه می خواهد و نه می تواند به جزئی ترین خواست مردم پاسخ گوید و نه راهی برای کاهش یا حل بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارد. این رژیم جز توحش اسلامی (دستگیری، زندان، شکنجه، اعدام و کشتار، فقر و فلاکت بی حد و حصر) هیچ امکانی برای تخفیف نارضایتی سیاسی مردم ندارد. و هیچ گاه راهی برای تخفیف نارضایتی هیچ بخشی از جامعه هفتاد میلیونی نداشته است.

نامه سجاد قادر زاده پسر سگینه محمدی آشتیانی به سازمان ملل
برای اجرای "عدالت" در مورد پدرمان،
میخواهند مادرمان هم گشته شود!

صفحه ۳

اخباری از شهرهای کردستان

اعلام برانث فعالین کارگری شهر اشنویه

بازداشت و احضار پنج نفر در بوکان

سد داریان پاوه بار دیگر قربانی گرفت

مرگ یک کارگر به علت غرق شدن در رودخانه

پس از ۲۵ روز اعتصاب غذا، جان رحیم رش زندانی سیاسی در خطر است

اعتصاب عمومی رانندگان تاکسی شهرستان دهگلان

صفحه ۵

اطلاعه در مورد مصاحبه محمد مصطفایی با اشینگل و
عکس العمل سجاد پسر خانم سگینه آشتیانی

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ سازماندهی در ...

تفرقه و دو دستگی در میان بخشهای مختلف مردم به عمر خود ادامه می دهد و می کوشد تا مذهب و عقب ماندگی قرون وسطایی را بر جامعه تحمیل کند اما بجز بخش قلیل و جیره خوار دور و بر خود، مردم بستوه آمده، آزادیخواه و برابری طلب به اینها تمکین نکرده اند و دائما به اعتراض و مبارزه دست زده اند. به جوانان دختر و پسر بخاطر پوشیدن لباس مورد دلخواه خود گیر می دهند، روزانه دست به هر جنایتی می زنند، ماهها حقوق کارگران را نمی پردازند. اینها و صدها مورد دیگر از این دست، آن پدیده های عینی و واقعی زندگی روزمره مردم است که با آن روبرو هستیم.

اینها آن موضوعات و مسائلی است که مشغله شبانروزی همه مردم است و از وجود چنین جهنمی به ستوه آمده اند. اینها واقعیت زندگی لحظه به لحظه هر انسانی است که ضرورت تلاشی سازمانیافته و متشکل را در مقابل فعالین عرصه های مختلف اجتماعی صد چندان می کند. جمع شدن و اهمیت دادن به تشکل و سازمان برای کنار زدن تمامی این توحش و بربریتی است که حاکمان اسلامی با تبلیغات و نیروی سرکوبگرشان دارند علیه مردم بکار می گیرند.

اگر قرار است دور هم جمع شویم نیرو بسیج کنیم و حرکت توده ای و میلیونی سازمان دهیم برای تاثیر گذاری در جهت ریشه کن کردن این فلاکتها است، برای پایان دادن به شرایط فلاکتباری است که به مردم تحمیل کرده اند و برای برقراری یک زندگی بهتر و انسانی است که می خواهیم برقرار کنیم. از این رو باید متشکل شویم و سازمانیافته کار کنیم. بدون سازمان و بدون متشکل شدن نمیتوان تغییری ولو کوچک ایجاد کرد و بدون تشکل و سازمان هر دستاوردی هم که بدست آورده باشیم قابل باز پس گیری است.

همانطور که اشاره کردم بطور واقعی و عینی زمینه و بستر برای فعالیت همان زندگی و موقعیتی است که در آن قرار گرفته ایم که شبانروز هر انسانی در جامعه از وجود چنین زندگی فلاکتباری می نالد و مردم و بویژه فعالین به این

فکر می کنند که چگونه می توان بر روند تغییر این وضع تاثیر بگذارند؟

یکی از وظایف خطیر فعالین در محلات این است که پا به میدان بگذارند و بر روند اوضاع در چنین شرایطی تاثیر گزار باشند. فعالین و پیشروان باید برایشان روشن باشد که چگونه می خواهند نقش و تاثیر داشته باشند. اینجاست که با مسئله تشکل و کار سازمانیافته مواجه میشویم. در واقع ساختن تشکل و دورهم گرد آمدن به گونه ای سازمانیافته، آن ابزاری است که ما را متحد می کند، یکدست و در اتحادی همبسته حول خواست و مطالبات مشترک ما را به نیرو تبدیل می کند. داشتن افق و دورنمای سیاسی اجتماعی روشن بر اساس خواست و مطالبات مشترک، می تواند در امر ایجاد تشکلهای موفق، اجتماعی و توده ای در محلات موثر واقع شود.

هسته و جمعهای محلات آغازی برای فعالیتهای سازمانیافته اجتماعی، توده ای و گسترده است. اگر یک جمع مثلا هفت هشت نفره بطور طبیعی با همدیگر دوست و رفیق هستند و سالهاست همدیگر را می شناسند و برای هم قابل اعتماد و اطمینان هستند، چنین جمعی میتواند در امر بالابردن توان سیاسی خود و با برنامه کار بکند. مثلا قرار بگذارد که هر هفته در مکانی، حال چه در منزل باشد یا در پارک یا به هنگام کوهنوردی و غیره دور هم جمع شوند، محفلی مطالعاتی درست کنند، روی نوشته یا مقاله یا کتابی به بحث و اظهار نظر حول آن بنشینند و صحبت کنند. تداوم این کار بطور منظم کمک می کند که این جمع یا محفل، از نظر سیاسی و روشن بودن روی مسایل نظری و فکری ارتقا پیدا کند. همین محفل چند نفره با هر اسمی که روی خود میگذارد مثلا هسته محله فلان منطقه از شهر و برای رشد و ارتقای توان سیاسی و فکری خود می تواند کارهای زیادی انجام دهد نظیر آموزش کامپیوتر، چگونگی یاد گرفتن جنبه های امنیتی استفاده از کامپیوتر، بحث و اظهار نظر حول مسایل نظری و

تئوریک که خوشبختانه همه این ماتریالها در اینترنت به وفور یافت می شود و حتی میتوان آنها را چاپ و کپی کرد که هم در دسترس محفل باشد و هم در اختیار دیگران هم گذاشت.

این جنبه از فعالیت محفل محلات نباید امری در خود باشد بلکه بتدریج میتوان افراد دیگری را در این فعالیتها سهیم کرد چرا که بعد از مثلا شش ماه قرار نیست همین جمع هفت نفره همچنان از نظر کمی همان هفت نفر باقی بماند. باز تولید و ارتقای کمی و کیفی در این جمعها، یکی از شاخصهای موفقیت دوره ای آن خواهد بود. در سطحی دیگر و با بدست آوردن این ظرفیت در میان جوانان محله، نباید از شرکت دادن دیگران در هر سن و سالی کوتاهی کرد. بسیاری از پدران و مادران، خود را در این فعالیتها سهیم می دانند و می توانند نقش ارزنده ای ایفا کنند. فعالین محفل یا هسته یا جمع فلان محله وظیفه دارند که فعالیت خود را اجتماعی و توده گیر کنند. به همین خاطر ساعتها نشستیم مطالعه کردیم، بحث و گفتگو کردیم، توان سیاسی خود را ارتقا دادیم، چند نفری را به جمع خود جذب کردیم که دست آخر توانسته باشیم اهالی محله را هم در هدف مشترکی که پیش رو گذاشته شده است دخالت دهیم. بدون توجه به توده وسیعتری از مردم و خانواده های محله، یک محفل صرف روشنفکر کتاب خوان و ذهنی گرا خواهیم داشت که بدره هیچی نمی خورد. بلکه فقط مطالعه چی از آب در آمده و فقط به بالا بردن دانش سیاسی در عالم ذهنی خود چسبیده است.

وقتی از محلات و تشکل در محلات صحبت میکنیم منظورمان توده وسیع اهالی و ساکنین محلات است. وقتی از جوانان صحبت میکنیم منظورمان جوانان دختر و پسر است نه فقط پسران. خوشبختانه در شرایط و اوضاع سیاسی، اجتماعی و انقلابی حاضر، جوانان دختر و پسر راحت تر می توانند با فراهم نمودن انواع محمل های طبیعی، شغلی، اجتماعی و خانوادگی دور هم جمع شوند. در پارکها، مهمانی ها، کوهنوردی و انواع مناسبتهاى مختلف، آن محمل هایی است که باید کوشید

بیشترین تعداد علاقمندان به شرکت در هر فعالیت و حرکتی را دخیل کرد. مثلا یک محفل هفت نفره بعد از چند ماه به بیست یا سی نفر برسد که هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی رشد و ارتقا پیدا کند. در چنین مقطعی است که می بینیم جوانان یک محله توانسته اند نه تنها خود را از نظر سیاسی ارتقا دهند و تعداد بیشتری از علاقمندان و فعالین دیگری را به اهداف کار هسته های محله جذب و تشویق کنند بلکه در پروسه این کار اتحاد، همدلی و یکدست بودن را حول با ارزشترین و انسانی ترین اهداف سیاسی اجتماعی بوجود بیاورند. شاخص موفقیت يك دوره از فعالیت جمع جوانان يك محله رسیدن به این نقطه است.

با تقسیم کار در میان جمعهایی که در محلات فعال هستند باید برنامه ریزی کرد. فرض کنید ۲۰ نفر فعال در يك محله مشغول فعالیت متشکل و کار سازمانگرانه هستند، این ۲۰ نفر با تقسیم کار در میان خود که هر يك یا هر چند نفر عرصه ای از فعالیتها را بر عهده می گیرند به خود سروسامانی می دهند. با برنامه ریزی حساب شده ای باید معلوم باشد که چه روزهایی و در چه ساعت و مکانی دور هم جمع می شوند. قرار است در این دورهم جمع شدن چه کارهایی انجام دهند؟

مطالعه ای در دستور است؟، قرار است مثلا تعدادی برای شعارنویسی در محله یا محلات نزدیکتر کاری بکنند؟، قرار است بیانیه ای پخش شود؟ آیا فرض کنید برای روزها و مناسبتهای مهم نظیر هشت مارس، اول مه، ۱۶ آذر، روز جهانی کودک و یا هر مناسبت دیگری چه اقداماتی صورت بگیرد؟ اقداماتی که در دستور گذاشته میشود فعالیت عملی محافل یا جمع فعالین محلات است. با تقسیم کار و اینکه هر چند نفر قرار است چه کار معینی انجام دهند را باید سازماندهی کرد.

قطعا در میان افراد و فعالین محله کسانی با تجربه تر وجود دارند که می توانند بقیه را در امر سازماندهی آموزش دهند که هر کس یا هر چند نفر برای امروز، فردا یا روزهای بعد چه کارهایی انجام دهند؟

جمعهای فعالین محلات برای تحقق اهداف و برنامه از پیش تعیین

شده همین جمعها که اهدافی انسانی و اجتماعی است دور هم جمع شده و تشکل یا هسته ای را بوجود آورده اند. نکته دیگری که باید بارها روی آن تاکید گذاشت این است که این جمع مثلا بیست نفره باید بطور دائم در تماس و ارتباط با توده اهالی ساکن در محل باشد. هر تك نفری که فعال هسته محله است می تواند حلقه واسطی مابین خانواده، فامیل و دوستان و آشنایان نزدیک خود با تشکل هسته محل باشد. باید مدام بکوشد که از نظر اجتماعی بیشترین آدمها را به تلاش و فعالیت می تشکل محلات در پیش رو دارد امیدوار سازد و جذب کند. تشکل جوانان و توده اهالی محل باید فضایی با نشاط، روحیه ای بالا و رابطه ای رلکس فی مابین همه ایجاد کند. با استفاده از تجربیات و بکار گیری ابتکارات لازم می توان کاری کرد که اهالی يك محله از وجود فعالیتهای متنوع تشکل محله لذت ببرند. گسترش این نوع از فعالیتها به سطح کل شهر یکی دیگر از وظایف مهم فعالین تشکلهای محلات در سطح شهر است.

فعالین تشکلهای محلات در يك ارتباط منظم و هماهنگ می توانند کنترل شهر را در دست خود قرار دهند.

تجربه تشکل و شورای محلات شهر سندانج در سال ۵۶ و ۵۷ که ماههای آخر سرنگونی حکومت شاه شکل گرفت و تا نوروز ۵۹ در شکل ارتقا یافته ای نقش تعیین کننده ای داشت، نمونه بسیار خوبی از این نوع از فعالیتها است. با این تفاوت که در آن ایام از امکانات ارتباطی مختلف امروزی خبری نبود و امروز دستاوردهای تکنولوژی نیز کار فعالین هسته و تشکل در محلات و دیگر فعالین جنبشهای اجتماعی را بسیار ساده کرده است.

از چند ماه قبل از سرنگونی حکومت شاه، جوانان و فعالین محلات دست بکار سازماندهی در محلات شدند. مثلا در محله ای که ما زندگی میکردیم، به همراه دوستان و رفقایم در محله که از کودکی همدیگر را می شناختیم و در آن شرایط از نظر فکری و سیاسی

همدیگر را بیشتر یافته بودیم پا

متن کتبی نامه زهرا حقیقت پژوه ...

از صفحه ۱

وسایل لازم برای کشتن مادر آنها را فراهم میکردند. زهرا به من گفت که بیش از صد نفر در مقابل در زندان اوین تجمع کرده اند و قرار است امشب ده نفر اعدام شوند. صدای گریه و التماس و وحشت، فرسنگها کیلومتر دورتر از اوین در این نیمه شب، در آلمان به گوشم میرسید.

زهرا و فرزینسه از وحشت میلرزیدند و جلادان بعد از قتل ده نفر، در زندان اوین را باز کردند و به جمعیت گفتند "کار تمام شد، ساعت ده صبح برای گرفتن اجساد بیائید و زهرا اینرا پشت تلفن گفت و ...

یکروز بعد، با زهرا صحبت کردم و او گفت مینا پیش مادرم هستم و او یک لحظه محل دفن مادرش را ترک نمیکرد.

متن پیاده شده پیام زهرا به سعیده و سجاد

به یاد فریاد پاك آنان که با بی عدالتی گری با طنابی به نام اسلام در گلو خفه شدند

سلام ای آشنا. من رهاورد دادگرهای بی عدالتی در ایرانم. هیچ میدانی آنجا که زندگی همراه یک طوفان به بلندی آسمان میروند و چون رودهای روان به همه جا می نشینند! اینجا در سینه ام عشق به زندگی پرده اسیری است در تنگ ترین و سوزناک ترین قفس مرگ، اینجا زندگی بیمار است و بدون هیچ

پرستاری بر بستر زجر با تازیانه قضات نا عادل مسلمان ایرانی جان میدهد و در همه جای این کشور پهناور جای خالی امید پیدا است. به کجا میتوان گریخت به کجا؟

سلام سجاد و سعیده نازنینم من زهرا دختر فاطمه حقیقت پژوه هستم. شاید اسم او را شنیده باشید. من با شما همدردم. من غمخوار شما هستم. با این تفاوت که من ده سال است که این درد را بر کول سینه میکشم.

نازنینانم من با فریاد جانگداز همه زندانیان زیر قصاص گریسته ام و خواهم گریست. تا زمانی که در ایران فردی اعدام شود، خواهم گریست. من دورادور شما و مادران را که همچون من و مادر پاکم اسیر چنگال عادلان بی عدالت در ایران شده اید، می شناسم. و هر روز آرزوی شنیدن عفو و رهایی سکینه و همه زندانیان محکوم به اعدام را دارم. عزیزانم میدانم چه روزهای پر تشویشی را پشت سر میگذارید من با شما همدردم. من تا زمانی که زنده ام، با قصاص فرزندان پاك و بی گناه اشان هم دردم و میدانم که آرزوی آزادی برای آنها در جامعه ما

خیالی بس واهی است اما باز برای همه سکینه ها و کبرها، فاطمه ها و شهلاها آرزوی آزادی دارم. زمانی که به یاد طناب سخت و سرد بر گردن مادر می افتم برای همه مادران دریند آرزوی آزادی دارم.

عزیزانم امیدوارم در این مدت کوتاه که برای نجات مادران باقی مانده با فریاد انسانهای آزادیخواه و با کمک آنها مادران رهایی یابد. من و شما دردی در سینه داریم که حتی کویر بی کران ایران تاب تحملش را ندارد. کاش میشد با هم بگریزم و به جایی برویم که نیش مردمان نا عادل این سرزمین را نبینیم که وجود کشیف شان، ایران زیبای ما را در افکار همه جهانیان سیاه و بد کرده است.

دوست ندارم حرفهای دلتنگی ام را بشنوید و بیش از این آزرده خاطر شوید. دوست ندارم اشکهای تنهائی ام را ببینید و چشمانتان که از زمان گرفتاری مادران همیشه بارانی است را بارانی تر کنم. در کنارتان نیستم تا خواهرانه دلداری اتان بدهم. ولی بدانید هنوز هم ستاره ای در آسمان هست که برای وجود زیبای سکینه عزیزمان چشمک بزند. شهر خاموش دل من با آزادی و زندگی

دوباره مادران در کنار شما پر آوازه میشود امیدوارم هیچگاه فاصله ها نتواند هلله های جدایی را جشن بگیرند. فریاد من و شما، تنها و بدون هیچ پشتوانه ای بجایی نمیرسد. اما بدانید که با بی عدالتی هیچ چیز و هیچ کس به جایی نخواهد رسید. یکسال و اندی از پر کشیدن مادر بی گناهم میگذرد و پس از مادرم دلاراها و چند زن دیگر نیز به آسمان آزادی پر کشیدند. اما این بار عاجزانه از همه کسانی که صدای زهراها و سجادها و سعیده ها را شنیدند، خواهش میکنم به یاری دل کوچک و دستان نحیف ما که در این زندان سراسر بی عدالتی دستانشان به جایی نمیرسد، بشتابند. بیائید نگذاریم سعیده و سجاد مثل من و حواهرم غم بی مادری را تا ابد در سینه داشته باشند گناه شاخه شکستن گناه طوفان است و بس.

تو نسیم باش نوازش کن
و حیات ببخش

زهرا حقیقت پژوه
۱۷ مرداد ۸۹

انتشار توسط
کمیته بین المللی علیه اعدام

نامه سجاد قادرزاده پسر سکینه محمدی آشتیانی به سازمان ملل برای اجرای "عدالت" در مورد پدرمان، میخواهند مادرمان هم کشته شود!

ما زجر بکشد و ما همیشه کابوس داشته باشیم. دو ماه قبل بود که شنیدیم همه راهها بسته شده و ممکن است به زودی مادرمان سنگسار شود. بالاخره به دنیا متوسل شدیم و از مردم دنیا کمک خواستیم. اکنون که بسیاری در مورد مادر ما و سرنوشت تلخ او حرف زده اند و به تقاضای ما پاسخ مثبت داده اند، یکباره کل موضوع عوض شده است. جرم مادرمان شده قتل و حکم او اعدام!

این واقعیت ندارد. او هر حرفی الان بزند، بدلیل اینکه اسیر است و شبانه روز در کابوس سنگسار و اعدام قرار دارد، قابل قبول نیست. ما میدانیم که مادرمان قاتل نیست. پرونده قتل پدر ما قبلا رسیدگی شده و یک نفر به قتل او اقرار کرده و این پرونده بسته شده

انتشار از کمیته بین المللی علیه سنگسار و کمیته بین المللی علیه اعدام

مادر ما قاتل نیست، نگذارید اعدام شود

پنج سال است که با کابوس سنگسار شدن مادرمان شب را به صبح میرسانیم. همیشه در مورد "جرم" او می شنیدیم که به اتهام "زنای محصنه" سنگسار خواهد شد. این کلمه وحشتناک در هر ملاقات ما با مادرمان تکرار میشد و همه ما بارها گریه میکردیم که اگر چنین اتفاقی بیفتد، ما چه خواهیم کرد. بارها برای نجات مادرمان دوندگی کردیم، این درو آن در زدیم، به هر کس و هر جایی که فکر میکردیم کمکمان کنند سر زدیم، نامه نوشتم و گفتیم نگذارید داغ بی مادری هم به دردهایمان اضافه شود. ولی نمیدانم چرا گوش شنوایی نبود و گویی برخی خوششان می آمد مادر



زنده باد انقلاب انسانی
برای حکومت انسانی

از صفحه ۳ سازماندهی در ...

پیش گذاشتیم و در مشورت و همفکری با جوانان و فعالین محلات دیگر که آنها نیز همچون ما و از جنس ما بودند بویژه شبها به پخش بیانیه و شعار نویسی می پرداختیم. جمع و یا هسته هر محله ای اقدام به کنترل محله خود می کردیم بطوریکه در جریان اعلام حکومت نظامی، نیروهای ارتش و ژاندارمری و پلیس شاه جرئت وارد شدن به داخل محلات را نداشتند و در بعضی از محلات نیز به نیروهای مستقر در سر چهار راههای خیابانهای مشرف به کوچه ها که در آن مستقر بودند با مواد دست ساز و آتش زا از سوی جوانان محله مورد تعرض قرار می گرفتند. جمع فعالین محلات ۲۰ الی ۳۰ نفر و بعضا بیشتر از این تعداد هم فراتر میرفت. بتدریج اهالی بیشتری از ساکنین محلات زنان، مردان و و دیگر جوانان و حتی کسانی که سن و سال بیشتری داشتند به همکاری با تشکل محله روی می آوردند.

بعدها در اواخر سال ۵۸ تشکل شورای محلات به ۶۵ الی ۷۰ شورا در سطح شهر رسید. این تعداد از شورای محلات از میان خود یک شورای مرکزی انتخاب کرد که اسم آن شورای مؤسس محلات شهر سنج بود. بعدها و تا حمله رژیم به کردستان از نظر تدارکاتی، درمانی و امنیتی و غیره نقش برجسته ای در سطح شهر ایفا کرد. پرداختن به جایگاه شورای محلات شهر سنج فعلا از حوصله این نوشته خارج است. در فرصت دیگری سعی میکنم در مورد نقش شوراهای محلات، زمینه های شکلگیری و اقداماتی که انجام داد بیشتر توضیح بدهم. اینجا فقط بعنوان نمونه ای از تلاشهای فعالین و جوانان محل که امر تشکل و سازماندهی را برای پیشبرد هدفی که آن ایام مد نظر بود خواستم اشاره کنم.

چه در روز و ماههای آخر حکومت شاه و چه در مدت بیش از یکسال اول حکومت اسلامی، شورای محلات مردم سنج در کنترل و اداره امور شهر توسط جوانان، فعالین و مردم، نقش کلیدی و مهمی در جریان انقلاب ۵۷ ایفا کرد. که بعدها به اسم بنکه های

محللات، علاوه بر بعهده گرفتن کارهای تدارکاتی در مقطع حملات رژیم به کردستان، امنیت شبانروزی در سطح شهر و امور اورژانس و درمانی، در محلات اقدام به دایر کردن کتابخانه، کمک به معتادان برای ترک اعتیاد، کمک به کسانی که توان امرار معاش زندگی خود را نداشتند و دهها عرصه دیگر از کار اجتماعی سیاسی و نظامی را هدایت و سرپرستی میکرد. با توجه به نمونه بالا از شورای سراسری محلات که اشاره کردم به فرض داشتن یک یا چند تشکل در یک محله که دارد بخوبی کارش را پیش می برد ما را باید به این نقطه برساند که محلات دیگر شهر را به این شکل دربرآوریم. قطعاً یک جمع ۲۰ نفره ارتباط گسترده ای با دوستان و آشنایان در محلات دیگر شهر دارد. می توان آنها را تشویق به کاری کرد که خود دارید انجام میدهید. اگر درست عمل کنیم قطعاً تشکل محلات به چندین برابر خواهد رسید و متعاقب آن وصل کردن اکثریت یا تمامی اهل شهر از طریق تشکل محلات به همدیگر و این آن هدفی است که فعالین محلات باید مدام مد نظر داشته باشند. ایجاد اتحاد و همبستگی مردم یک شهر و با اتکا به سازماندهی آنان در تشکل محلات و به هم بافته شدن در سطح محلات شهر. با شروع از هسته های محلات می توان به سراغ ساختن تشکلهای توده ای نیز قدم برداشت.

تشکل و سازمان در محلات و در شرایط حاضر فعالیتهای متنوع دیگری را در دستور خود دارد. آکسیونهای شبانه، خواست و مطالبات مردم را بصورت شعار، قطعنامه و پلاکارد در آوردن، تشویق مردم به مبارزه حول خواست و مطالبات انسانی و مدرن، بر حذر داشتن مردم از سیاه پوشی و عزا در مراسمها و همچنین بر حذر داشتن از شعارهای مذهبی و ناسیونالیستی و تفرقه افکنانه، سازمان دادن شعار نویسی و شناسایی نیروهای سرکوبگر و دهها وظیفه دیگر که در مورد هر یک از آنها بعداً به تفصیل خواهیم گفت.

فاسد ترین و کثیف ترین سران و دست اندرکاران حکومت اسلامی صورت می گیرد. کشتار انسانها همواره یکی از ابزارهای اصلی حکومت اسلامی برای بقا بوده است و با تکیه بر اعدام و سنگسار و کشتار بیش از صد و پنجاه هزار انسان تا کنون توانسته است خود را سرپا نگاه دارد. سران حکومت در جریان خیزش انقلابی مردم علناً اعلام کردند که اعدام برای عبرت گرفتن مردم است. این تازه یکی از خصوصیات جنایتکارانه حکومت اسلامی است. از نظر قوانین و موازین اسلامی، اعدام برای عبرت گیری صف میلیونی مردم آزادیخواه است که علیه رژیم اسلامی پیا پی خواسته اند تا آنرا به زباله دان تاریخ بیافکنند.

حکومت طالبان در افغانستان در روز ۱۱ ژوئن ۲۰۱۰ پسر هفت ساله ای را به جرم جاسوسی برای آمریکا بدار آویخت و رسماً هم اعلام کرد که این برای تنبیه خانواده ها است. اینکه این پسر بچه بدبخت در طول هفت سال سن، چند سال مراحل جاسوسی را گذرانده است و چگونه جاسوس شد فقط در قوانین خدا و اسلام و بربریت ماقبل قرون وسطایی طالبانها می گنجد همانگونه که اعدام نوجوانان در حکومت اسلامی تا کنون جان دهها نوجوان را گرفته است. اما آنچه که مهم است این است که وحشیگری طالبان و رهبران اسلامی ایران را باید با به زیر کشیدنشان پاسخ داد. سران حکومت اسلامی ایران

خوب می دانند که مردم ایران در طول این سی و یک سال مرعوب این جنایتکاران و تلاشهای بیهوده و ضد بشریشان نشده نمی شوند. اعدام و سنگسار کردن توسط این جانوران از موضع قدرت نیست بلکه فقط و فقط از سراسر استیصال، ضعف و زبونی و درماندگی حکومت اسلامی است. زندانهای ایران که قرار است روحیه زندانیاها در آن توسط شکنجه و آزار بی

از صفحه ۱ آنها دست کمک بسوی شما ...

حرمتی درهم شکسته شود، به میدان نبرد حاد علیه رژیم اسلامی تبدیل شده است. گسترش اعتراضات بخشهای مختلف جامعه و تعرض به این قاتلین می تواند این احکام ضد بشری را از چهره جامعه پاک کند. اینها موشی جنایتکار هستند که باید به جرم جنایت علیه بشریت در دادگاههای بین المللی محاکمه شوند.

همه سران و دست اندر کاران رژیم اسلامی می دانند که قطار حکومتشان دارد به آخر خط می رسد. خوب می دانند که اعدام و سنگسار نتوانسته است هدف آنان یعنی ارباب را متحقق کند. از طرف دیگر راه گریزی برایشان باقی نمانده است که تا سرنگون شدن تمام و کمالشان تلاش می کنند تا همچنان به این جنایات دست بزنند. حکومت اسلامی برای بقای خود و در اوج زبونی اعدام و سنگسار می کند. اما قادر به ساکت و خفه کردن مردم نشده است و تأثیری در حرکت اعتراضی مردم ندارد و نمی تواند آنرا متوقف کند. دوره ارباب دیگر پسر آمده است. نظام و سران آدمکش اسلامی هم چنان به تداوم این جنایات نیاز دارند چرا که بقای عمر آن در گرو این کشتار است. اما تا سرنگونی این حکومت توسط انقلاب مردم، می توان و باید سلاح کشتار و اعدام را از دست این آدمکشان گرفت.

به یمن یک کمپین جهانی که مینا احدی سخنگوی آنست، این کمپین قادر شده است تا همین جا زجر کش کردن یک انسان را فعلاً متوقف سازد. از طرف دیگر جان صدها زندانی محکوم به اعدام و دهها زن گون بخت محکوم به سنگسار در خطر است. نباید دست روی دست گذاشت و نظاره گر خاموش این وقایع ضد انسانی بود.

نیاید به این فاشیستهای اجازه داد تا حق حیات انسانهای دیگر را بگیرند. باید به هر شیوه ممکن مانع اجرای این حکام قرون وسطایی شد. رژیم اسلامی امروز دیگر در شرایطی نیست که بتواند در مقابل اعتراضات عمومی، یکدست و متحدانه مردم دوام بیاورد. باید کمپینهای بین المللی علیه اعدام و سنگسار را به وسعت جهان گسترش داد. باید برای لغو نه تنها حکم عصر حجری سنگسار و اعدام سکنینه آشتیانی مبارزه کرد، بلکه برای آزادی او و همه زندانیان در بند تلاش کرد و به میدان آمد. این کمپین را باید جهانی و جهانی تر کرد. چون مردم جهان دارند از دریچه آن بتدریج بایک جنبش عظیم آزادیخواهی، برابری طلبی، انسان دوستی بی مرز و مدرن به آزادی زن نگاه می کنند و میدانند که فعالین این عرصه کمونیستها و بسیاری از آنان رهبران و کادری حزب کمونیست کارگری ایران هستند. گام بزرگی که این کمپین بر می دارد و در صد شهر جهان علیه اعدام و سنگسار اعلام شده است، بخشی از مبارزه پر شوری است که برای منزوی کردن حکومت اسلامی در جامعه جهانی و سرنگونی اش در داخل ایران است. هر انسان شرافتمندی که از اعدام و سنگسار منزعج است به هر شیوه ممکن به این کار زار جهانی باید یاری برساند. نگذارید که سکنینه صدها زندانی در صف اعدام، هم آغوش سنگ و طناب دار شوند، آنها دست کمک بسوی شما دراز کرده اند تا به یاریشان بشتابید.

۱۵ آگوست. ۲۰۱۰

زنده باد

همبستگی جهانی مردم

زنده باد انسانیت

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد.
اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد
(نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است.
همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

اخباری از شهرهای کردستان

اعلام برائت فعالین کارگری شهر اشنویه

بنا به گزارش دریافتی فعالین کارگری شهر اشنویه که چندی پیش بازداشت و مدتی را در حبس بودند طی حکمی که از دادگاه دریافت کرده اند ، حکم برائت گرفته اند.

متن دادنامه ای که به فعالین کارگری اشنویه ابلاغ شده

برابر دادنامه شماره ۹۹۲/۴۲۱۱۰۰/۹۹۷۴۰ مورخه ۱۲/۵/۸۹ صاره از شعبه اول دادگاه انقلاب ارومیه به ریاست قاضی درویشی ، آقایان حسین پیروتی ، فتح سلیمانی ، صمد احمد پور، رحمان تنها ، عباس هاشم پور، رحمان ابراهیم زاده و عیسی ابراهیم زاده با وکالت آقای فریدون احمدی که متهم بودند به فعالیت به نفع گروهک کومله و فعالیت به نفع آن گروهک با توجه به اوراق و محتویات پرونده و تحقیقات بعمل آمده و دفاعیات نامبردگان و وکیل ایشان که آنان عضو کومله نمی باشند و اگر کمیته کارگری هم در واقع وابسته به کومله باشد صرف شرکت در جلسه بدون اطلاع از اهداف آن به لحاظ فقدان عنصر معنوی جرم نمی تواند مثبت بزه باشد بنابراین دادگاه به لحاظ فقدان دلیل اثباتی جرم مستندا به بند الف ماده ۱۷۷ قانون آیین داد رسی کیفری حکم به برائت صادر می گردد . رای صادره حضوری و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در دادگاه تجدید نظر استان می باشد



اعلام حکم پدram نصرالهی

بنا به خبر سایت کمیته هماهنگی، پدram نصرالهی فعال کارگری که به اتهام تبلیغ علیه نظام و همکاری با کومله از طریق عضویت در کمیته هماهنگی و شورای زنان دستگیر شده بود در تاریخ ۲۲/۴/۱۳۸۹ در شعبه یک دادگاه انقلاب، توسط قاضی بابا بی دادگاهی شد که وکیل وی به دفاع از او پرداخت و اتهامات واهی علیه موکلش را رد کرد اما امروز حکم او که گذراندن ۴ ماه حکم تعزیری می باشد از طریق وکیلش آقای عباس جمالی به وی ابلاغ شد.

۲۱ مرداد ۱۳۸۹

بازداشت و احضار پنج نفر در بوکان



طی روزهای اخیر نیروهای امنیتی در شهر بوکان پنج تن از شهروندان را احضار و بازداشت

کردند.

هیوا خضری اقدم، صدیق خضری اقدم، عثمان آذریان، محمد آذربار و حسن یونسی به اداره اطلاعات شهر بوکان احضار شدند

بنا به گزارشات، عثمان آذریان، محمد آذربار و حسن یونسی مورد تهدید و آزار و اذیت قرار گرفته اند

هم چنین، هیوا خضری اقدم و صدیق خضری اقدم هم اکنون در زندان شهر بوکان به سر می برند هیوا خضری اقدم دو سال پیش به اتهام همکاری با احزاب کرد دستگیر و به شش ماه حبس محکوم شده بود

هیوا که با قرار وثیقه آزاد شده بود، پس از احضار روز پانزده مرداد به زندان برگردانده شد

سد داریان پناه بار دیگر قربانی گرفت



بنا به خبری که برای کمیته هماهنگی ارسال شده، روز چهارشنبه ۲۰ مرداد ، کارگری ۲۰ ساله ساکن بخش "نودشه" به نام سعید شهبازی بر اثر سانحه کار در سد داریان پناه جان خود را از دست داده است. لازم به یادآوری است که سد

داریان در ۱۵ کیلومتری شهرستان پناه واقع است و در مراحل اولیه راه اندازی و ساخت می باشد. به دلیل فشار زیاد آب و نبود امکانات ایمنی محیط کار، تا کنون این سد جان چند کارگر را گرفته است. ۲۳ مرداد ۱۳۸۹

مرگ یک کارگر به علت غرق شدن در رودخانه



بنابر خبر رسیده ، روز سه شنبه ۱۹/۵/۱۳۸۹ اسد صولت راننده ماشین سنگین و از کارگران سد آزاد نگل به علت غرق شدن در آب رودخانه جان خود را از دست داد .

(سد آزاد در نزدیکی روستای نگل در ۷۵ کیلومتری جاده سنندج- مریوان قرار گرفته)

به گفته شواهد به نظر میرسد این کارگر تحت فشارهای اجتماعی تن به این کار داده است . اسد صولت زاده تبریز و از کارگران خوش نام در بین دیگر کارگران بود. چند تن از دوستان و کارگران این شرکت نیز به نوبه خود مرگ این عزیز را به خانواده وی تسلیت گفته و خود را در غم آنها شریک می دانند.

۲۰ مرداد ۱۳۸۹

پس از ۲۵ روز اعتصاب غذا؛ جان رحیم رش زندانی سیاسی در خطر است

رحیم رش، زندانی سیاسی، چهار روز پیش از زندان اطلاعات سپاه ارومیه به زندان عمومی مهاباد منتقل شده، اما هم چنان به اعتصاب غذای خود ادامه داده است

یکی از پسران رحیم چهار روز پیش توانسته ملاقات کوتاهی با پدرش داشته باشد که در این ملاقات حال پدرش را "بسیار وخیم" گزارش کرده و همان روز پزشک زندان مجبور شده به ملاقات او برود.

پسر رحیم می گوید: "بار قبلی هم پدرم در زندان سقز آن قدر به اعتصاب غذای خود ادامه داد که پزشکان گفتند سه روز دیگر خواهد

مرد و به همین دلیل آزادش کردند. بعد از آزادی نیز تا چندین ماه به حالت عادی باز نگشت"

خانواده او می گویند: "با شناختی که از پدرمان داریم مطمئنیم تا آزادش نکنند دست از اعتصاب بر نخواهد داشت و به همین خاطر ما به شدت نگران سلامت جان پدرمان هستیم"

رحیم فعال مدنی در ۲۸ تیرماه بازداشت شد و از فردای بازداشت اش اقدام به اعتصاب غذا کرد. وی چهار روز پس از بازداشت به زندان اطلاعات سپاه ارومیه منتقل شده است و تا چهار روز پیش هم چنان در زندان اطلاعات سپاه ارومیه به سر برده است

از چهار روز پیش ایشان به زندان عمومی مهاباد منتقل شده اس. وخامت وضعیت جسمانی این زندانی سیاسی موجب نگرانی شدید خانواده و دوستان وی شده و آن ها از فعالان حقوق بشر درخواست کرده اند که "بیشتر به وضعیت این زندانی سیاسی توجه نشان دهند"

اعتصاب عمومی رانندگان تاکسی شهرستان دهگلان



صبح روز شنبه تمام تاکسی داران شهرستان دهگلان با تجمع در دویانده منتهی به ترمینال بلبان آباد دست به اعتصاب زدند و با پارک تاکسی های خود در حاشیه این خیابان خواستار حل هر چه زودتر مشکلات سوختی خود شدند .

این اعتصاب که از ساعت ۸ صبح آغاز شد به دلیل اختلال ۲۰ روزه در شبکه توزیع CNG در این شهرستان است، رانندگان تاکسی برای دریافت این سوخت می بایست به شهر قره برونند.

مسئولان مربوطه تاکنون هیچ اقدام موثری را برای حل مشکل سوختی تاکسی رانان انجام نداده اند.

توجه: کانال جدید از روز سه شنبه ۱۲ مرداد ماه، برابر سوم اوت، بر روی شبکه هانبرد از ساعت ۱۰ و نیم تا ۱۲ و نیم شب به وقت ایران برنامه خواهد داشت .



KBC Channel
فرکانس 11200
عمودی
سیمبل ریت 27500
Fec: 5/6

لطفا دوستان و آشنایان خود را از برنامه های جدید کانال جدید مطلع کنید.

اطلاعیه در مورد مصاحبه محمد مصطفایی با اشیگل و عکس العمل سجاد پسر خانم سکینه آشتیانی



آقای محمد مصطفایی وکیل خانم آشتیانی در پرونده سنگسار، روز دوشنبه ۱۶ اوت مصاحبه ای با مجله اشیگل داشت که در آن، در مورد پرونده قتل همسر خانم سکینه محمدی آشتیانی و احتمال دست داشتن سکینه در این قتل صحبت کرده است. از جمله در این مصاحبه آقای مصطفایی گفته است که خانم آشتیانی به همسرش دارویی داده و در قتل ایشان همکاری کرده است.

اظهار نظر آقای مصطفایی بلافاصله مورد اعتراض فرزندان خانم آشتیانی مواجه شد. سجاد قادر نژاد در مصاحبه با سایت روز آنلاین روز دوشنبه ۱۶ اوت گفت: "نه مدرکی وجود دارد که نشان دهد مادرم در قتل پدرم دست داشته و نه مادرم چنین اعترافی کرده و آنچه رئیس دادگستری آذربایجان شرقی اعلام کرده کذب محض است."

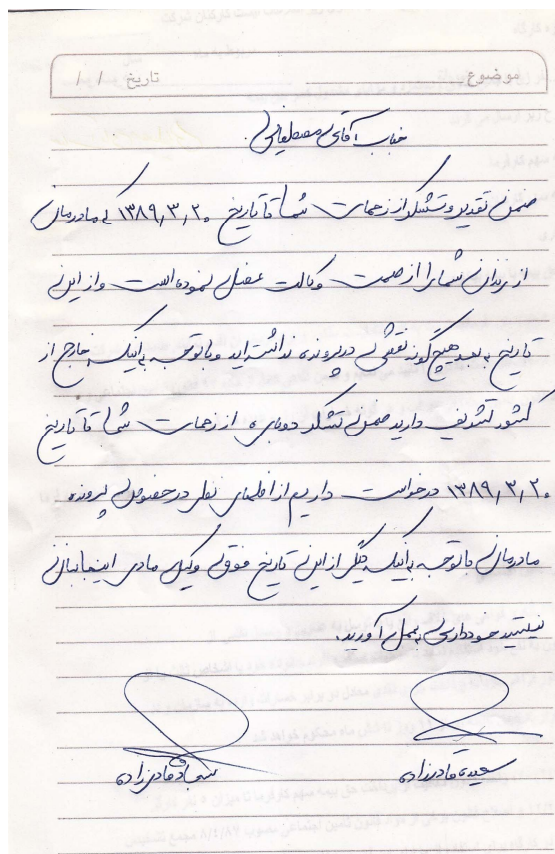
به عنوان کسی که از دو سال و نیم قبل در جریان این مساله بوده ام و جزئیات این مساله را بدقت دنبال کرده ام لازم است بگویم: اولاً، وکیل هر پرونده ای اجازه ندارد که اسرار این پرونده را در رسانه ها طرح کند.

دوم اینکه، موضوع مربوط به خانم سکینه آشتیانی مساله ای مربوط به مرگ و زندگی یک انسان است و هر اظهار نظری که حتی بطور ضمنی اظهارات دادستان جمهوری اسلامی را تأیید کند میتواند تأثیر بسیار منفی در سرنوشت خانم آشتیانی داشته باشد.

علاوه بر این ما اسنادی از دادگاههای حکومت اسلامی در دست داریم که نشان میدهد موضوع قتل در یک دادگاه دیگر بررسی شده و وکیل آن پرونده آقای مصطفایی نبوده است. خانم آشتیانی در پروسه رسیدگی به قتل تبرئه شده و بعد از اینکه جلو چشم پسرش ۹۹ ضربه شلاق به او زدند او را به ده سال حبس محکوم کردند. اما پس از مدتی موضوع رابطه جنسی خارج از ازدواج توسط دادگاه تبریز به میان آمد و من حدود دو سال و نیم پیش با توجه به اینکه پرونده سکینه از

موضوع قتل به رابطه جنسی خارج از ازدواج و سنگسار تغییر کرد به فرزندان خانم آشتیانی پیشنهاد کردم که با آقای مصطفایی بعنوان یک وکیل سرشناس در مورد پرونده های سنگسار و اعدام کودکان زیر هیجده سال برای وکالت مادرشان صحبت کنند که آقای مصطفایی هم خوشبختانه قبول کرد و به عنوان وکیل خانم آشتیانی در مورد سنگسار شروع به فعالیت کرد.

اکنون حکومت اسلامی برای نجات از موج فشارهای بین المللی علیه حکم سنگسار و اعدام سکینه تقاضا میکند که پرونده قتل همسر سکینه را مجدداً باز کند و چون هیچ سند و مدرکی برای اعدام او ندارد سکینه را تحت شکنجه قرار میدهد و بعد از شکنجه شخص حسین نوبخت معاون دادستان تبریز به او قول میدهد که اگر در تلویزیون ظاهر شود و آنطور که آنها میخواهند صحبت کند از اعدام نجات پیدا میکند. به این ترتیب سکینه را به مصاحبه تلویزیونی میکشاند تا او را شریک جرم در قتل همسرش معرفی کنند و زمینه اعدامش را فراهم کنند. در چنین شرایطی اظهار نظر آقای مصطفایی در اشیگل مطلقاً مسئولانه نیست.



کیان توجه کنند. اینها و حتی اسناد دادگاههای جمهوری اسلامی همگی بر بی گناهی خانم آشتیانی در پرونده قتل تأکید میکنند.

میثا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام کمیته بین المللی علیه سنگسار

۱۷ اوت ۲۰۱۰

لذا از آقای مصطفایی و همه کسانی که بهر دلیل در مورد این پرونده اظهار نظر میکنند، تقاضا میکنم که با دقت و احساس مسئولیت در این مورد اظهار نظر کنند و از رسانه ها نیز تقاضا میکنم به اسنادی که کمیته های بین المللی علیه سنگسار و اعدام در این مورد در اختیار دارد و همچنین توضیحات فرزندان خانم آشتیانی و وکیل پرونده قتل یعنی آقای هوتن

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
۲- آزادی زندانیان سیاسی
۳- لغو مجازات اعدام

۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب

۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
۱۰- تأمین و تضمین يك زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به يك میلیون تومان

این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستهای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همکاری با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند. مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!